

# روزهای هفته آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | جولای 20, 2018

سلام دوستان در این درس کوتاه می خواهیم با هم روزهای هفته در زبان آلمانی را به کمک یکدیگر یادگیریم.

---

der Wochentag

روز هفته

die Wochentage

روزهای هفته

همچنین نزدیک به این دو اسم ما اسامی زیر را نیز داریم

die Wochentags, Werktags که هر دو اسم جمع هستند و حرف تعریف آنها

روزهای هفته die Wochentags

روزهای کاری die Werktags

---

اما به آخر هفته می گوئیم : das Wochenende

چرا حرف تعریف آن das شد؟ به خاطر وجود Ende هست که حرف تعریفش das می باشد.

در زبان آلمانی هرگاه ما اسم مرکب بسازیم ، آنگاه آرتیکل اسم دوم ما ، می شود آرتیکل اسم مرکب جدیدی که ساختیم.

ما همچنین می توانیم بگوییم : am Wochenende یعنی در آخر هفته و یا اینکه بگوییم am Wochenenden در آخر هفته ها

Am Wocheneden spiele ich Fußball

در آخر هفته ها من فوتبال بازی میکنم

---

اما قبل از یادگیری روزهای هفته بهتر است بدانید که حرف تعریف تمام روزهای هفته der است برای اینکه تمامی روزهای هفته به جز چهارشنبه به اسم Tag ختم می شود و Tag یک اسم مذکر است و حرف تعریف آن der می باشد.

اما نکته بعدی که باید به آن توجه کنید حرف اضافه روز در زبان آلمانی همیشه am است ، یعنی ما در فارسی می گوییم ( در روز شنبه ) و این ( در ) ما به زبان آلمانی am است.

der Montag – am Montag

روز دوشنبه ، در روز دوشنبه

der Dienstag – am Dienstag

روز سه شنبه ، در روز سه شنبه

der Mittwoch – am Mittwoch

روز چهارشنبه ، در روز چهارشنبه

der Donnerstag – am Donnerstag

روز پنج شنبه – در روز پنج شنبه

der Freitag – am Freitag

روز جمعه ، در روز جمعه

der Samstag – am Samstag

روز شنبه ، در روز شنبه

der Sonntag – am Sonntag

روز یک شنبه ، در روز یک شنبه

---

خب دوستان ، حال که با روزهای هفته در زبان آلمانی آشنا شدیم بهتر است با اوقات روز نیز آشنا شویم. اما قبل از آشنا شدن اجازه بدید یاد بگیریم که حرف تعریف تمام اوقات روز به جز شب der می باشد.

der Morgen

صبح

der Mittag

ظهر

der Vormittag

قبل از ظهر

der Nachmittag

کمی بعد از ظهر

der Abend

بعد از ظهر یا عصر

die Nacht

شب

---

حال که با این اسامی آشنا شدیم در آخر خوب است که بدانیم ما می توانیم از این اسامی که یاد گرفتیم به شکل زیر نیز استفاده کنیم :

am Montag Abend

در دوشنبه سر شب یا در دوشنبه عصر

der Samstag Nachmittag

شنبه کمی بعد از ظهر

و برای باقی نیز به همین صورت <sup>۹</sup>

---

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :

---

## نگاهی به klären- و پیشوندهای آن

written by مرتضی غلام نژاد | جولای 20, 2018

سلام دوستان،

در این درس می خواهیم باهم نگاهی داشته باشیم به **klären**- و افعالی که می توان توسط آن ساخت.

قبل از هرچیز باید بدانیم که خود **klären** به تنهایی یک فعل است.

**klären**

شفاف کردن ، زلال کردن ، ابهامات را برطرف کردن ، روشن و آشکار ساختن

گذشته ساده : klärten

گذشته کامل : haben geklärt

durch Untersuchungen oder Gespräche feststellen, wie etwas wirklich war bzw. ist

توسط آزمایشات یا گفتگو ها متوجه بشویم چیزی واقعاً چگونه بوده یا اینکه است

توجه داشته باشید که در مثال بالا گفتم ، توسط چیزی ، پس این یعنی فعل klären می تواند به همراه حرف اضافه durch در جملات مورد استفاده قرار بگیرد ، به زبان ساده تر اینکه ما همیشه durch ( توسط یا بواسطه چیزی ) می توانیم klären کنیم ، به مثال زیر توجه کنید :

Wir müssen unsere Meinungsverschiedenheiten **durch** ein offenes Gespräch **klären**

ما باید اختلاف نظر هایمان را **به وسیله** یا **توسط** یک گفتگوی بی پرده **روشن و آشکار** سازیم

eine Frage **klären**

یک پرسش یا سوال را **شفاف و روشن** ساختن

die Unfallursache muss noch **geklärt** werden

دلیل تصادف هم باید روشن شود یا معلوم بشه

آن چیز یا چیزهای که باعث شده اند یک تصادف صورت بگیرد ، باید آشکار یا روشن بشود در فارسی گفته می شود معلوم بشود.

اما همین klären- می تواند به پیشوندهای ترکیب شود و افعال جدیدی بسازد که معانی متفاوتی نیز داشته باشند، ما در این درس می خواهیم آن افعال را مورد بررسی قرار دهیم.

اولین فعل ما erklären است که از ترکیب klären- با پیشوند er ساخته می شود:

erklären یک فعل جداشدنی نیست!

توضیح دادن ، شرح دادن ، توصیف کردن ، دلیل آوردن ، اظهار کردن

erklärten : گذشته ساده

haben erklärt : گذشته کامل

etwas deutlich machen

چیزی را واضح یا روشن تر کردن

گفتیم چیزی را ، پس فعل erklären یک فعل Akkusativ ساز است ، زیرا ما همواره می توئیم etwas ( چیزی را ) erklären کنیم. اما توجه داشته باشید که Dativ را نیز به همراه دارد ، یعنی اینکه ما می توانیم jemandem به کسی etwas چیزی را erklären شرح دهیم یا توضیح دهیم یا در تفکر فارسی : برایش شرح دهیم.

erklären +D +A

Könntest du mir noch einmal den Unterschied zwischen Konjunktiv I und Konjunktiv II erklären?

امکان داره ( همیشه ) تو یکبار دیگر تفاوتِ میان کنیونکتیو یک و کنیونکتیو دو را به من شرح بدهی □

نکته بسیار بسیار مهم : چنانچه در جمله هم اکوزاتیو داشته باشیم و هم داتیو ، در تفکر فارسی ما ابتدا اکوزاتیو را استفاده میکنیم و سپس داتیو را ، اما در تفکر آلمانی باید بدانیم که در بیشتر مواقع می بایستی ابتدا از Dativ و پس از آن از Akkusativ استفاده کنیم ، درست همانند مثال بالا

etwas genau erklären

چیزی را دقیق توضیح دادن

ein Bild erklären

یک عکس یا تصویر را توصیف کردن

Sie erklärte mir, warum sie nicht kommen könne

او ( مونث ) به من شرح داد یا اضمهار کرد ، ( که ) چرا نتوانست بیاد

به عنوان اصطلاح :

Ich kann mir dein Verhalten nicht erklären ( verstehe es nicht )

من رفتار تو را نمی توانم توصیف کنم ( درکش نمی کنم )

یعنی دلیل رفتاری که داری رو نمی تونم متوجه بشم ، بفهمم یا درکش کنم.

دومین فعل ما فعلِ abklären است که یک فعل جداشدنی می باشد.

به معنی : مطلبی را روشن ساختن

گذشته ساده : klärten ab

گذشته کامل : haben abgeklärt

Ich will erst noch **abklären**, wann meine Kollegen Urlaub nehmen wollen, bevor ich eine Reise buche

من می خواهم قبل از اینکه یک مسافرت را ثبت کنم ( رزرو کنم ) در ابتدا **مطلبی را روشن سازم** ( که ) چه زمانی همکاران به می خواهند به تعطیلات بروند

یعنی در ابتدا یا قبل از اینکه چیزی را رزرو کنیم ، می خواهیم این موضوع یا مطلب را مشخص کنیم که چه زمانی همکارانمان می خواهند به تعطیلات بروند.

**aufklären** یک فعل جداشدنی می باشد.

**فاش کردن حقایق و آنها را به اطلاع دیگران رساندن ، بر طرف شدن ابرها و باز شدن هوا , از اشتباه در آوردن**

گذشته ساده : klärten auf

گذشته کامل : haben aufgeklärt

ein Verbrechen **aufklären**

یک جنایت یا جرم را **فاش کردن**

Der Arzt hat den Patienten vor der Operation über alle Risiken **aufgeklärt**

پزشک قبل از عمل جراحی آن بیمار را در مورد تمام ریسک های آن عمل جراحی یا خطرات آن عمل جراحی **آگاه ساخت**

یعنی تمام واقعیت را فاش کرد و تمام خطرات آن عمل جراحی را قبل از عمل به اطلاع بیمار رساند.

verklären یک فعل جداشدنی نیست!

اجازه بدیم یا بگذاریم چیزی بهتر و زیباتر نمایان شود ، اضهار نظری را زیباتر و بهتر بیان کردن یا شرح دادن

verklärten : گذشته ساده

haben verklärt : گذشته کامل

Ich neige dazu, meine Studienzeit in Schottland zu verklären

من تمایل به این دارم ، ( که ) دوران تحصیل ام در اسکاتلند را زیباتر و بهتر شرح بدهم

ein Lächeln verklärte ihr Gesicht

یک لبخند چهره تان را زیباتر و بهتر میکرد

---

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :

---

## نگاهی به zwar و und zwar در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | جولای 20, 2018

در درس امروز می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به zwar و und zwar در زبان آلمانی و همچنین nämlich را نیز مورد بررسی قرار بدهیم.

# نگاهی به فعل fahren و پیشوندهای آن

written by مرتضی غلام نژاد | جولای 20, 2018

سلام دوستان،

در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به فعل fahren به همراه پیشوندهای آن

البته ما در این درس نمی خواهیم که تمامی پیشوندهای این فعل را مورد بررسی قرار بدهیم ، بلکه می خواهیم پرکاربردترین و مهم ترین آنها را با کمک یکدیگر یاد بگیریم. زیرا فعل fahren می تواند به همراه چیزی حدود ۴۰ تا فعل ترکیب شود و معانی متفاوت داشته باشد.

قبل از هر چیز اجازه بدهید نگاهی به fahren داشته باشیم

fahren

رانندگی کردن ، با وسیله نقلیه رفتن

گذشته ساده : fuhren

گذشته کامل : sein gefahren

Wegen mehrerer gesperrter Straßen mussten sie einen großen Umweg fahren

به خاطر خیابان های مسدود زیاد ، شما می بایستی یک مسیر فرعی و طولانی تر را رانندگی میکردید.

Wir fahren morgen mit dem Schiff nach Italien

ما فردا با کشتی به ایتالیا می‌رویم.

پس خود فعل fahren به معنی : رانندگی کردن یا رفتن با وسیله نقلیه است

اما از آنجایی که در تفکر آلمانی یا بهتر است بگوییم در زبان آلمانی ، ما برای هر کاری فعل مخصوص به خودش را داریم ، بنابراین افعال با پیشوندهای ترکیب می شوند تا معنی و مفهوم جدیدی بسازند. به همین دلیل است که افعال در زبان آلمانی ، دارای پیشوند می باشند که بعضی از آنها جدا شدنی هستند ( یعنی آن پیشوند به انتهای جمله می‌رود در صورت نبود فعل کمکی در جمله ) و بعضی از آنها ثابت هستند.

چنانچه هنوز با مبحث افعال در زبان آلمانی آشنایت ندارید ، پیشنهاد میکنم درس زیر را مطالعه کنید.

جزء افعال در زبان آلمانی ( کلیک کنید )

اما اولین پیشوند ما ab است

در واقع ab هرگاه به افعال اضافه می شود ، معمولاً چیزی از جایی کنده شدن است مثلاً در مورد فعل fahren هرگاه پیشوند ab به آن اضافه می شود ، آنگاه به معنی ترک کردن یا از جایی کنده شدن و رفتن ، مثل رفتن قطار یا اتوبوس که در تفکر آلمانی انگاری که از محل کنده می شود و می‌رود ، ما در فارسی می‌گوییم به راه افتادن اما در تفکر آلمانی یک وسیله نقلیه می‌تواند از جایش کنده شود و همانطور که به راه افتاده است محل را نیز ترک کند.

Der Bus fährt gleich ab

آن اتوبوس همین حالا حرکت میکند

در تفکر آلمانی : آن اتوبوس همین حالا نه تنها به راه می‌افتد بلکه در حال ترک کردن محل نیز می‌باشد.

Der Zug fährt gleich ab

آن قطار همین حالا حرکت میکند

آن قطار یا آن اتوبس الانهاست که راه بیافته و جایش را ترک کند.

پیشوند بعدی ما ein می باشد

معمولاً پیشوند ein هرگاه با افعال ترکیب می شود ، معنی وارد شدن یا داخل شدن به جایی به چیزی را میدهد ، برای مثال اگر با fahren باشد ، آنگاه به این معنی است که ما با وسیله نقلیه به جایی یا مکانی وارد شویم

Der Zug fährt in den Tunnel ein

قطار وارد تونل می شود

قطار در حال وارد شدن به تونل می باشد

Wir fahren in den Bahnhof ein

ما به ایستگاه قطار وارد می شویم

پیشوند بعدی ما los می باشد

معمولاً los به همراه افعال ، معنی و مفهوم : آغاز کردن یا شروع کردن آن کار را میدهد ، برای مثال هرگاه به همراه fahren بیاید ، آنگاه به معنی : آغاز به حرکت کردن یا شروع به راه افتادن را به همراه خود دارد

Wir fahren um drei Uhr los

ما در ساعت سه آغاز به حرکت میکنیم

ما سر ساعت سه شروع به حرکت میکنیم

پیشوند بعدی ما mit می باشد

معمولاً mit به همراه افعال : معنی و مفهوم ، همراهی کردن را میدهد ، مثلاً اگر با fahren ترکیب شود ، آنگاه به معنی : به همراه کسی با وسیله نقلیه رفتن است

Du kannst bei mit mitfahren

تو می توانی به همراه من بیایی

یعنی بیایی نزد من بنشینی و بعد با هم به رفتن ( با وسیله نقلیه ) ادامه بدهیم.

پیشوند بعدی ما vorbei می باشد

معمولاً vorbei هرگاه با افعال می آید ، آنگاه معنی عبور کردن از کنار چیزی یا اینکه در هنگام کاری به کوچولو کار دیگری کردن ، مثلاً در هنگام رانندگی از کنار چیزی رد شدن یا به کوچولو ( مدت کوتاه ) به جایی سر زدن ، برای مثال اگر با فعل fahren باشد ، آنگاه به معنی : سر راه یا در هنگام رانندگی از کنار جایی رد شدن یا به سری هم به جایی زدن

Wir müssen noch bei der Apotheke vorbeifahren

ما باید سر راهمان به سر هم به داروخانه بزنیم

ما باید سر راهمان به سر هم داروخانه برویم

پیشوند بعدی ما zurückfahren می باشد

معمولاً zurück هرگاه با افعال می آید ، معنی بازگشت را میدهد و مشخص است اگر با fahren باشد ، آنگاه به معنی برگشتن با وسیله نقلیه می باشد

Mit der Bahn nach Hause zurückfahren

با راه آهن ( مترو ) به خانه برگشتن

پیشوند بعدی ما weiter می باشد

معمولاً weiter پس از اضافه شدن به یک فعل ، معنی : ادامه دادن را به آن فعل اضافه میکند ، برای مثال چنانچه با fahren

بیاید ، یعنی به رفتن یا رانندگی کردن ادامه دادن

In Ordnung, Sie können weiterfahren

همه چیز رو به راه است ، شما می توانید به رفتن ادامه بدهید

و آخرین پیشوند ما über می باشد

über می تواند چند معنی به همراه خودش داشته باشد چنانچه با افعال ترکیب شود.

۱. بیشتر یا بیش از حد

۲. از روی آن ( مثلاً عبور کردن ، رفتن ، تماشا کردن و ... )

و چند معنی پراکنده دیگر ...

اما اگر با fahren بیاید ، به این معنی است که : در هنگام رانندگی به چیزی زدن یا چیزی را زیر گرفتن و از روی آن رد شدن

Ich habe das Tier nicht überfahren

من آن حیوان را زیر نگرفتم

نکته : توجه داشته باشید که überfahren در زمان گذشته کامل با فعل haben ساخته می شود نه با sein

---

این درس را در اینستاگرام نیز دنبال کنید :

---

## نگاهی به حروف اضافه bei, zu, von

written by مرتضی غلام نژاد | جولای 20, 2018

سلام دوستان در درس امروز می خواهیم با هم یاد بگیریم که از حروف اضافه bei , zu , von چگونه و بهتر می توانیم استفاده کنیم

---

## نگاهی به sitzen, setzen, legen, liegen, stellen, stehen در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | جولای 20, 2018

در این درس می خواهیم با هم به طور دقیق و قابل فهم تر این افعال را از نظر گرامری یا دستور زبانی مورد بررسی قرار بدهیم

---

## نگاهی به beziehungsweise

written by مرتضی غلام نژاد | جولای 20, 2018

سلام دوستان،

در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به beziehungsweise در زبان آلمانی

برایتان پیش آمده خواهید به زبان آلمانی بگویید : او یک بازیکن فوتبال است یا دقیق تر گفته باشم در تیم اشتوتگارت بازی میکند ، یا او یک ایرانی است شاید هم یک افغانی باشد ، او یک اروپایی است شاید هم یک آلمانی باشد و ...

این جملات را ما می توانیم با beziehungsweise بگوییم.

beziehungsweise

شاید هم ، بهتر گفته باشم ، دقیق تر گفته باشم ، در صورت دیگر ، یا اینکه

چند مثال :

Ich war mit ihm bekannt beziehungsweise befreundet

من با او آشنا بودم یا بهتر بگویم دوست بودم

beziehungsweise در واقع رابطی میان بخش اول جمله و بخش دوم جمله است ، یعنی ما یک جمله را بیان می کنیم Ich war mit ihm bekannt و حال بخواهیم دقیق تر یا به صورت دیگری گفته باشیم از beziehungsweise استفاده میکنیم و در نهایت بخش دوم befreundet را بکار می بریم.

Ihre Tochter und ihr Sohn sind sechs beziehungsweise acht Jahre alt

دختر و پسران ۶ شاید هم ۸ ساله هستند

Können Sie mich anrufen beziehungsweise eine SMS schicken?

می توانید با من تماس بگیرید یا اینکه یک پیام کوتاه بفرستید؟

Ich werde mit dem Auto nach München fahren beziehungsweise mit einer Mitfahrgelegenheit

من می خواهم با این ماشین به مونیخ بروم شاید هم با یک اسنپ

Sie waren seit der Grundschulzeit eng befreundet **beziehungsweise** unzertrennlich

آنها از دوران ابتدای دوستان صمیمی بودند **بهرتر بگویم** جدا نشدنی

Würdest du mir den Geldbetrag zurückgeben **beziehungsweise** überweisen?

آن وجه را ( مبلغ پول را ) می خواهی ( دستی ) پس بدهی **یا اینکه** واریز کنی؟

نکته : معمولاً **beziehungsweise** را به صورت مخفف **bzw.** نیز می نویسند.

Morteza möchte nach dem Deutschkurs studieren **bzw.** eine Ausbildung machen

مرتضی می خواهد بعد از کلاس آلمانی تحصیل کند **شاید هم** یک دوره تخصصی بگذراند

Morteza möchte nach dem Deutschkurs studieren **beziehungsweise** eine Ausbildung machen

مرتضی می خواهد بعد از کلاس آلمانی تحصیل کند **شاید هم** یک دوره تخصصی بگذراند

Wir suchen eine Kellnerin **beziehungsweise** einen Kellner

ما به دنبال یک گارسون خانم **شاید هم** یک گارسون آقا هستیم

در همین رابطه ما می توانیم از نیز استفاده کنیم :

Morteza möchte nach dem Deutschkurs **entweder** studieren **oder** eine Ausbildung machen

مرتضی قصد دارد بعد از کلاس آلمانی **یا اینکه** تحصیل کند **یا** یک دوره تخصصی بگذراند.

پیشنهاد میکنم برای توضیحات بیشتر در مورد درس زیر را مطالعه کنید.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :

---

## wären, hätten, würden

written by مرتضی غلام نژاد | جولای 20, 2018

سلام دوستان،

در درس امروز می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به wären, hätten, würden

خب قبل از هر چیز اجازه بدید ببینیم اصلاً این افعال چی هستند و از کجا آمده اند و معنی و مفهوم آنها در فارسی به چه شکل است!

در واقع wären از گذشته ساده فعل sein که waren بوده است ، ساخته شده است ، اما معنی مفهوم ما یک بودنی است که همراه با حسرت و آرزوست ، یعنی هم می تواند بشود و هم می تواند نشود ، شک ، تردید ، حسرت و آرزوهای به همراه دارد ، ما در فارسی از واژگانی چون ای کاش ، چی می شد و ... استفاده میکنیم که این ها همراه با حسرت و تردید و آرزو می باشد ، اما در زبان آلمانی و تفکر آلمانی تمامی افعال می توانند به زمانی بروند که تمام این سیگنال ها ( حسرت ، آرزو ، تردید ، شک و ... ) را به همراه داشته باشد.

برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید :

Jetzt bin ich immer noch hier und muss lernen

من هنوز که هنوزه اینجا هستم و باید درس بخوانم

حال اگر بخواهم بعد از این جمله ، جملاتی مانند : ای کاش توی تخته بودم یا چی می شد الان توی تخته می بودم را بکار ببرم ،  
آنگاه به سر وقت wären میروم که صرف آن برای bin یعنی اول شخص مفرد ( من ) می شود wäre

Aber ich wäre so gern auf den Skateboardplatz

ولی من خیلی دلم می خواست ( الان ) در محل بازی و تمرین اسکیت می بودم

یا در فارسی : چی می شد الان در محل بازی و تمرین اسکیت می بودم ، ای کاش می شد الان توی محل بازی و تمرین اسکیت  
می بودم

اگر توجه کنید : جملات بالا همراه با حسرت و آرزو و یا یک تمایل قلبی است که ما برای به تحقق بخشیدن آنها نمی توانیم به  
طور قاطع و صد در صدی اطمینان داشته باشیم ، یعنی یا می شود یا نمی شود. مثلاً منی که الان باید بشینم درس بخوانم ، رفتن  
به محل بازی اسکیت یک حسرت است ، اگر چه دلم می خواهد اونجا می بودم ولی الان باید بشینم درس را بخوانم!

اما hätten نیز گذشته ساده فعل haben که hatten است ، می باشد.

دقیقاً داشتنی که همراه با حسرت و آرزو ، شک و تردید و ... است

Wenn die Familie zu Hause ist, habe ich kaum Zeit für mich

چنانچه آن خانواده در خانه است ، من به سختی زمان یا وقت برای خودم دارم

حال اگر بخواهم بعد از این جمله ، حسرت یا خواسته قلبی خودم را بیان کنم ، آنگاه haben من باید به hätten تبدیل شود :

Ich hätte gern mal ein bisschen Ruhe

من خیلی دلم می خواست یک کمی آرامش و آسایش می داشتم

مگر ما در فارسی نمی گوییم : من آرامش ندارم چی می شد یک کمی آرامش میداشتم یا اینکه مگر نمی گوییم : وقتی تمام خانواده در خانه جمع هستند ، من به زره آرامش ندارم ، چی میشد توی این همه شلوغی به زره آرامش میداشتم.

اما کاربرد würden کمی فرق میکند ، میدانیم که würden هم از فعل werden آمده است که برای ساخت زمان آینده ساده مورد استفاده قرار میگیرد ، در اینجا نیز همین نقش را دارد. یعنی چی ؟ یعنی اینکه اگر ما بخواهیم این نوع جملاتی که برگرفته از خواسته قلبی است و همراه با حسرت و آرزو و ... است ، آنگاه به سر وقت würden میرویم.

برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید:

Wir fahren eigentlich nie ohne die Kinder weg

ما در واقع بدون بچه ها هرگز به جای دوری نمیرویم

حال اگر بخواهیم همراه با حسرت و آرزو یک تمایل قلبی را بگوییم ، می شود :

Wir würden gern mal wieder allein wegfahren

ما خیلی دلمان می خواست که باز دوباره تنهایی به جای دوری می رفتیم ( مسافرت )

نکته مهم : هرگاه بخواهیم جملاتی اینگونه بسازیم ، نگاه به فعل جمله می اندازیم ، چنانچه sein یا haben بود آنها را تبدیل به hätten و wären میکنیم و برای دیگر افعال می بایستی به سر وقت würden برویم. زیرا اینها اتفاقاتی است که در آینده قرار است بیافتد شاید هم نیافتد ، یعنی شاید ما بتوانیم بالاخره به زمانی دوباره تنهایی به مسافرت برویم ، که این تنهایی به مسافرت ما شاید در آینده نزدیک یا آینده دور یک واقعیت بشود و از شکل حسرت و آرزو در بیاید.

اگر می خواهید به خوبی هر چه بیشتر این مطلب و جملات اینگونه را درک کنید ، پیشنهاد میکنم دروس مربوط به Konjunktiv 2 را مطالعه کنید.

جزء جملات آرزویی Konjunktiv 2 ( کلیک کنید )

نگاهی دقیق تر به Konjunktiv 2 ( کلیک کنید )

کی و کجا باید از این جملات استفاده کنیم؟

هرگاه که ما سخت مشغول به انجام کاری هستیم یا در یک محل یا جای دیگری هستیم ولی دلمان می خواهد جای بهتری می بودیم از این نوع جملات استفاده میکنیم. یا به زبان ساده تر هرگاه دلمان می خواهد که در یک موقعیت و شرایط بهتر یا دیگری می بودیم!

اگر به مثال های گفته شده در بالا دقت کنید : من می بایستی سخت درس می خواندم ( در شرایط و وضعیت درس خواندن بودم ) اما دلم می خواست که به محل بازی و تمرین اسکیت می رفتم

یا اینکه : وقتی خانواده همه بودند من آسایش نداشتم ( وضعیت شلوغی ) اما دلم می خواست که به زره آسایش میداشتم

و درنهایت : به خاطر وجود بچه ها ما نمی توانستیم تنهایی به مسافرت یا جای دوری برویم ، اما خیلی دلمان می خواست که می توانستیم باز دوباره تنهایی به مسافرت یا جای دوری میرفتیم

دقت کردید در فارسی می گوئیم : الان وقت امتحانات آخر ترم است ، چی می شد سریع تموم می شد میرفتیم شمال

در واقع این جملات نیز کاربردی اینگونه دارد!

چند مثال و پایان درس:

Sie hat keinen neuen Mantel aber hätte sie gern einen neuen Mantel

او ( مونث ) پالتو نو ندارد ، اما او دلش می خواهد یک پالتوی نو می داشت

Er ist im Büro aber wäre er gern in der Disko

او در دفتر یا محل کار است اما دلش می خواد در دیسکو می بود یا حضور میداشت

Er muss jetzt arbeiten aber würde er gern auf der Couch liegen und fernsehen

او ( مذکر ) باید الان کار کند اما او خیلی دلش میخواد ( الان ) به روی مبل راحتی دراز می کشید و تلویزیون تماشا میکرد

Es ist mir Kalt, ich würde gern in der Sonne liegen

سردم است ، من خیلی دلم می خواست که در آفتاب دراز میکشیدم

تفکر فارسی : سرده ، ای کاش زیر آفتاب دراز می کشیدم

Sie ist krank aber wäre sie lieber im Fitness-Studio und würde Sport treiben

او ( مونث ) بیمار است ولی او دلش می خواست در باشگاه بدنسازی می بود و ورزش میکرد

اما دیگر کاربردها این است که از ما سوال پرسیده می شود : کجا دلت می خواست الان می بودی؟ کجا دلت می خواست الان میرفتی؟ چی دلت می خواد الان داشته باشی؟

Wo wären Sie jetzt gern?

کجا الان دلتان می خواست می بودید؟

Ich wäre jetzt gern in Berlin

من الان دلم می خواست در برلین می بودم

Was hätten Sie gern?

چه چیزی دلتان می خواهد؟

Ich hätte gern ein Fahrrad

من دلم می خواهد یک دوچرخه میداشتم

Was würden Sie gern spielen?

شما دلتان می خواهد چه بازی میکردید؟

Ich würde gern Fußball spielen

من دلم می خواد فوتبال بازی میکردم

Wo wären Sie jetzt gern?

Ich wäre gern in meiner Heimat

کجا دلتان می خواست الان می بودید؟

من دلم می خواست در وطنم می بودم

Was hätten Sie gern?

Ich hätte gern viel Geld

چه چیزی دلتان می خواهد میداشتید؟

من دلم می خواست کلی پول میداشتم

Was würden Sie gern Spielen?

Ich würde gern Karten spielen

دلتان می خواست چه بازی میکردید؟

من دلم می خواست ورق ( پاسور ) بازی میکردم

دیگر کاربرد در اصطلاحات است :

Es wäre toll

خیلی عالی میشه

Ich hätte gern eine Cola mit viel Eis

من دلم می خواهد یک نوشابه ( کولا ) یا یخ زیاد میداشتم

وقتی به رستوران میرویم ، می توانیم بگوییم : Ich hätte gern... بعد آن چیزی را که دلم می خواهد را بیان کنیم ، مثلاً :

Ich hätte gern einen Salat

من دلم می خواهد یک سالاد داشته باشیم یا میداشتم

Ich würde gern kurz mit ihm alleine sprechen

من دلم می خواهد به کوچولو با اون ( مذکر ) تنهایی صحبت کنم

در نامه نگاری:

Für eine Antwort wäre ich Dankbar

برای یک پاسخ من ممنون میشم

یعنی چنانچه شما یک پاسخی بدهید من سپاسگذار میشم ، در فارسی معمولاً گفته می شود : اگه جواب بدی ممنونت میشم

و در مکالمات تلفنی و ...

Ich hätte gerne einen Termin beim Doktor...

من دلم می خواهد یک قرار ملاقات نزد دکتر ... داشته باشم.

Ja, ich würde gern einen Krankenwagen bestellen

بله ، من دلم می خواهد یک آمبولانس سفارش بدهم ( خبر کنم تا بیاید )

---

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :

---

## کالبدشکافی افعال در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | جولای 20, 2018

سلام دوستان

در این درس می خواهیم با هم نقش افعال در زبان آلمانی را به طور دقیق مورد بررسی قرار بدهیم.

چنانچه هنوز با فعل آشنایت ندارید می توانید جزوه زیر را مطالعه کنید.

جزوه افعال در زبان آلمانی ( کلیک کنید )

خب دوستان در قدم اول ، هر فعل می تواند آرטיکل یا حرف تعریف جمله ما را به ۴ حالت اسمی زیر ببرد :

Nominativ ( برای آشنایی بیشتر اینجا کلیک کنید )

Akkusativ ( برای آشنایی بیشتر اینجا کلیک کنید )

Dativ ( برای آشنایی بیشتر اینجا کلیک کنید )

Genitiv ( برای آشنایی بیشتر اینجا کلیک کنید )

که از این چهار حالت اسمی ، افعالی که به حالت Genitiv می برند کم ترین نقش را دارند ، یعنی تعداد افعالی که آرטיکل یا حرف تعریف جمله را به حالت اسمی Genitiv میبرند خیلی کم است و پس از آن از لحاظ کمی نوبت به Nominativ میرسد که تعداد آنها کمی بیشتر از Genitiv ساز هاست.

اما مهمترین نقش در این زمینه را افعالی بازی میکنند که یا Dativ ساز هستند و یا Akkusativ ساز ، برای همین موضوع می توانید بخش زیر در سایت را مطالعه کنید.

دورس افعال Akkusativ ساز یا Dativ ساز ( کلیک کنید )

اما این تمام ماموریت افعال در زبان آلمانی نیست ، یعنی بعضی از آنها جدا از اینکه می توانند آرטיکل جمله ما را به چهار حالت اسمی گفته شده ببرند ، بلکه می توانند به همراه حرف اضافه بیایند ، یعنی اگر حرف اضافه داشته باشند ، آنگاه وظیفه تغییر آرטיکل یا حرف تعریف جمله به گردن حروف اضافه می افتد.

پس با توجه به توضیحات بالا ، هرگاه حرف اضافه در جمله داشته باشیم فارق از اینکه فعل Akkusativ ساز یا Dativ ساز Nominativ ساز یا Genitiv ساز است ، نگاه کنیم که حرف اضافه ما ، از کدام دسته از حروف اضافه است.

برای درک بیشتر دروس زیر را مطالعه کنید.

حرف اضافه Akkusativ ساز ( کلیک کنید )

حروف اضافه Dativ ساز ( کلیک کنید )

تمامی حروف اضافه به همراه چند نکته ( کلیک کنید )

حروف اضافه Akkusativ ساز یا Dativ ساز ( کلیک کنید )

خب دوستان حال بیایم با یک مثال به ادامه درس پردازیم.

سه فعل helfen, betreuen, antworten را در نظر بگیرید.

helfen به معنی کمک کردن است

در تفکر فارسی ما همواره ( به کسی ) کمک یا یاری میرسانیم یا ( به کسی ) کمک میکنیم که همین ( به ) نشانه از Dativ ساز بودن این فعل است.

حالا میدونیم که helfen یک فعل Dativ ساز است.

Ich helfe dir من به تو کمک میکنم

Er hat mir nicht geholfen

او به من کمک نکرد

پس ما هرگاه بخواهیم یک فعل را یادگیریم باید پس از اینکه معنی آنرا در فارسی فهمیدیم ، بعدش ببینیم که سازنده کدام یک از حالت های اسامی می باشد و یا اینکه با کدام حروف اضافه می تواند بیاید.

ساختار یا فرمول ما برای این فعل اینگونه می شود :

helfen + Dativ

یعنی اول فعل با توجه به ضمیر جمله صرف می شود و سپس می بایستی اسم یا ضمیر جمله به حالت اسمی Dativ برود. که mir در واقع حالت Dativ ضمیر ich می باشد و یا dir حالت Dativ ضمیر du

حال به فعل antworten که همواره با حروف اضافه می آید ، توجه کنید:

antworten پاسخ دادن

در تفکر فارسی ما همیشه به چیزی پاسخ میدهیم ، اما در تفکر آلمانی ما همیشه ( به روی ) چیزی پاسخ میدهیم که این ( به روی ) حرف اضافه auf ما در آلمانی می باشد.

پس در تفکر آلمانی ما همواره auf چیزی پاسخ میدهیم که در اینجا می بایستی بدانیم حرف اضافه auf یک حرف اضافه Akkusativ ساز است.

پس ساختار یا فرمول ما برای این فعل اینگونه می شود.

antworten + auf + Akkusativ

یعنی اول فعل با توجه به ضمیر جمله صرف می شود و سپس حرف اضافه auf می آید و بعد از حرف اضافه auf آرتیکل یا اسم جمله ما به حالت اسمی Akkusativ تغییر شکل میدهد.

Ich antworte auf deinen Brief

من به نامه تو جواب یا پاسخ میدهم

تفکر آلمانی : من به روی نامه ات را پاسخ میدهم

برای درک بیشتر می توانید دروس افعال به همراه حروف اضافه را مطالعه کنید.

افعال به همراه حروف اضافه ( کلیک کنید )

حال فعل betreuen را نیز بررسی میکنیم که به مفهوم : سرپرستی کردن ، مراقبت کردن ، محافظت کردن ، تحت پوشش قرار دادن

در تفکر فارسی ما همواره از کسی سرپرستی میکنیم ، یا از کسی مراقبت میکنیم که در حالت منطقی می بایستی این فعل Dativ ساز باشد ، اما اشتباه نکنید که ما در تفکر فارسی می توانیم ( چیزی را یا کسی را ) نیز سرپرستی کنیم ، یعنی فعل betreuen در تفکر ما فارسی زبان ها با توجه به معانی گفته شده ، گاهی می تواند Akkusativ ساز و گاهی Dativ ساز باشد ، اما در تفکر آلمانی این فعل همواره یک فعل Akkusativ ساز است. پس ما در تفکر آلمانی همواره ( کسی را ) مراقبت میکنیم ، ( کسی را ) سرپرستی میکنیم.

در دروس Akkusativ یا Dativ ما به تمامی این نکات و تفاوت تفکرها پرداخته ایم، که لینک دسترسی به این دروس را در بالا قرار داده ام.

eine Reiseleiterin betreut die Gruppe

یک خانم راهنمای ( تورهای توریستی ) گروه را سرپرستی میکند.

با توجه به این درس ، درک کردیم برای یادگیری زبان آلمانی ، تنها یادگیری معنی آن فعل یا لغت کافی نیست ، بلکه باید به طور دقیق آنرا مورد بررسی قرار بدهیم ، و یا به زبان ساده تر کالبدشکافی کنیم و دل و روده یک لغت یا فعل را بریزیم بیرون و ببینیم که چه کار است و چه کارهای قرار است برای ما در جمله انجام بدهد.

با روش گفته شده و همچنین ساده تر و ساخت جملات آسان با آن فعل ، به خوبی و راحت تر زبان آلمانی را خواهید آموخت <sup>۴</sup>

هنوز سوال داری که چگونه کالبدشکافی میشه کرد؟ از کجا فهمید کدام فعل Akkusativ یا کدام Dativ است؟

هیچ نگران نباش ، من پیشنهاد میکنم این بخش از سایت را مطالعه کنید.

Akkusativ یا Dativ □ مسئله این است! ( کلیک کنید )

کالبدشکافی به سبکی دیگری :

چنانچه کسی به ما یک موضوع را بگوید : یعنی بگوید :تو باید امروز به مدرسه بروی و ما بخواهیم تایید کنیم ، آنگاه می گوییم ،  
باشه من به مدرسه میروم. یا اینکه اگر ما به کسی بگوییم که من باید به مدرسه بروم ، آنگاه به ما گفته می شود : خب یا پس برو  
به مدرسه

چرا اینها را گفتم؟

برای اینکه با gut و denn نیز به خوبی آشنا بشوید.

به مثال زیر توجه کنید:

Du musst die Sätze abschreiben

تو باید این جمله را از رو بنویسی

Gut, ich schreibe die Sätze ab

باشه من این جمله را از رو می نویسم

حال اگر بخواهم من به کسی بگویم که باید از روی این جمله رو نویسی کنم ، آنگاه اونم میگه خب از روش بنویس

Dann schreib sie doch ab

خب ، اون را رو نویسی کن! ب

نکته گرامری : اگر توجه کرده باشید وقتی می گویم باید آن جمله را رو نویسی کنم ، آنگاه در پاسخ گفته می شود : خب ، ( اون را ) رو نویسی کن! یعنی اینکه ما به آرتیکل یا حرف تعریف اسم اول برمیگردیم که در اینجا die Sätze بود و در پاسخ باید و باید با توجه به آرتیکل اسم جمله اول ، به آن اشاره کنیم که در پاسخ گفتیم :

Dann schreib sie doch ab

خب ، اون را رو نویسی کن!

نکته دیگر گرامری : امری کردن فعل جمله است و استفاده از doch برای تاکید.

جزء امری کردن در زبان آلمانی ( کلیک کنید )

اما با توجه به توضیحات گفته شده در ابتدای درس ، برویم به سر وقت فعل جمله یعنی abschreiben که یک فعل جدا شدنی می باشد یعنی بخش دوم آن schreiben می بایستی با توجه به ضمیر صرف بشود و بخش اول آن یعنی ab می بایستی به انتهای جمله برود ، که این قرارداد تا زمانی پا برجاست که ما هیچ فعل کمکی در جمله نداشته باشیم. یعنی در مثال بالا چون ما فعل کمکی müssen را داشتیم ( باید صد در صدی ) ، آنگاه فعل جداشدنی abschreiben به همان شکل به انتهای جمله رفت ، اما در پاسخ ، چون دیگر فعل کمکی نداشتیم ، قرارداد بالا را رعایت کردیم.

گفتم müssen ( باید صد در صدی ) این یعنی چی ؟

یعنی در زبان آلمانی ما یک باید صد در صدی داریم که müssen است و یک باید پنجاه درصدی که کمی اختیار را نیز به طرف میدهد ، در فارسی به آن می گوئیم : می بایستی اما در آلمانی می گوئیم sollen

تفاوت müssen و sollen چیست؟

برای پاسخ به این سوال ، این جزء را مطالعه کنید ( کلیک کنید )

abschreiben یک فعل جدا شدنی می باشد

کپی کردن ، از رو نوشتن ، سرقت ادبی کردن ، مبلغی را از جمع حسابی کم کردن ، کتباً پاسخ دادن

خب ببینیم اول Akkusativ ساز است یا Dativ ساز :

در تفکر آلمانی همانند فارسی ما همواره ( چیزی را ) رو نویسی میکنیم که این ( چیزی را ) یعنی اینکه این فعل یک فعل Akkusativ ساز است. اما فراموش نکنیم که در تفکر فارسی ما این فعل را می توانیم با حروف اضافی همانند ( از : از روی دست کسی ) یا اینکه ( از کتاب ) کپی برداری کنیم، که این ( از ) ها در تفکر آلمانی چی می شوند یا اصلاً ما می تواند فعل abschreiben را با حروف اضافه بکار ببریم؟

بله می توانیم ، اونوقت توی فارسی چه جوری معنی میشه؟

دقت کردید در فارسی گفته می شود از روی کسی نوشتن ، خب هرگاه این فعل abschreiben ما با حرف اضافه von بیاید ، یعنی از روی دست کسی نوشتن یا کپی برداری کردن.

von einem Mitschüler abschreiben

از روی دست همکلاسی نوشتن یا رونویسی کردن

که همان تقلب کردن خودمان است.

و حال اگر اشیاء باشد که معمولاً کتاب ، جمله ، روزنامه و ... است ، آنگاه حرف اضافه aus بکار برده می شود

اما به غیر از die Tafel باید از von استفاده شود.

von der Tafel abschreiben

از روی تخته کلاس رو نویسی کردن

مثلاً : معلم چیزی نوشته است حال ما می خواهیم از روی آن رو نویسی کنیم.

Diese Stelle hat er wörtlich aus dem Buch eines Kollegen abgeschrieben

او این بخش از متن یا نوشته را واژه به واژه یا کلمه به کلمه از روی کتاب یکی از همکاران کپی برداری کرده است یا رو نویسی کرده است.

اما این تمام داستان و ماجراهای فعل abschreiben نیست ، یعنی چه؟ یعنی بازم باید کلی مطلب به خاطر یه فعل یاد بگیریم؟  
بله باید کلی مطلب یاد گرفت ، چون زبان آلمانی همانند خود آلمانی ها بر اساس یک سری قوانین پیش میروند.

این فعل abschreiben می تواند گاهی Reflexiv هم باشد ، این دیگه چیه؟

مگه ما در فارسی نمیگیم : من این نوشته را برای خودم می نویسم یا رو نویسی میکنم ، یا مگه نمیگیم : اون برای خودش می خواهد از روی اون نوشته کپی برداری کند.

در تفکر آلمانی نیز به همین صورت است : یعنی اگر برای خودم یا برای خودش را بخواهیم با این فعل مورد استفاده قرار بدهیم آنگاه می شود :

sich einen Artikel aus einem Buch abschreiben

برای خود یک گزارش یا مقاله را از یک کتاب رونویسی کردن یا کپی برداری کردن

برای درک افعال انعکاسی یا Reflexiv می توانید این جزوه را مطالعه کنید:

جزوه افعال انعکاسی ( کلیک کنید )

پس برای یادگیری بهتر و اصولی تر زبان آلمان ، بهتر است از روش های گفته شده در این درس استفاده کنیم و با صبر و تحقیق در ارتباط با یک فعل ، آنرا یاد بگیریم نه فقط با رجوع کردن به فرهنگ لغت و فهمیدن معنی آن در فارسی.

چند مثال دیگر :

Du musst genau zuhören

Gut, ich höre genau zu

تو باید دقیق گوش بکنی

باشه ، من دقیق گوش میکنم

Ich muss genau zuhören

Dann hör genau zu

من باید دقیق گوش کنم

خب دقیق گوش کن!

Du musst den Termin absagen

Gut, ich sage ihn ab

تو باید آن قرار ملاقات را لغو کنی

باشه ، من آنرا لغو میکنم

Ich muss den Termin absagen

Dann sag ihn doch ab

من باید آن قرار ملاقات را لغو کنم

خب پس آنرا لغو کن!

Du musst Frau Müller anrufen

Gut, ich rufe sie an

تو باید به خانم مولّا زنگ بزنی

باشه ، من به اون زنگ میکنم

Ich muss Frau Müller anrufen

Dann ruf sie doch an

من باید به خانم مولا زنگ بزنم

خب پس زنگ بزن به اون!

در فارسی اینگونه این جملات را می گوئیم : خب پاشو برو زنگ بزن ، خب پاشو برو لغوش کن اون قرار ملاقات رو ، یا پاشو انجامش بده! و .... در تفکر آلمانی ما از dann و واژه تاکیدى doch استفاده میکنیم.

برای آشنایی با دیگر واژگان تاکیدى جزوء زیر را مطالعه کنید.

جزوء واژگان تاکیدى یا تاکید در جملات ( کلیک کنید )

Du musst die Besucher vorstellen

Gut, ich stelle die Besucher vor

تو باید آن مهمان ها را معرفی کنی

باشه ، من آن مهمان ها را معرفی میکنم

یا بهتر است گفته شود :

Ich stelle sie vor

من آنها را معرفی میکنم

Ich muss die Besucher vorstellen

من باید آن مهمان ها را معرفی کنم

Dann stell sie doch vor

خب ، آنها را معرفی کن!

Du musst den Bericht vortragen

Gut, ich trage den Bericht vor

تو باید آن گزارش را به سمع و نظر دیگران برسانی

باشه ، من آن گزارش را به سمع و نظر دیگران میرسانم

یا اینکه آدم می تواند بگوید :

Gut, ich trage ihn vor

من آنرا به سمع و نظر دیگران میرسانم

Ich muss den Bericht vortragen

من باید آن گزارش را به سمع و نظر دیگران برسانم

Dann trag ihn vor

خب آنرا به سمع و نظر دیگران برسان!

Du musst übermorgen mitarbeiten

Gut, ich arbeite übermorgen mit

تو باید پس فردا همکاری کنی

باشه ، من پس فردا همکاری میکنم

Ich muss übermorgen mitarbeiten

Dann arbeite übermorgen doch mit

من باید پس فردا همکاری کنم

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :

## zwischen, Zwischenzeit, zwischenzeitlich

written by مرتضی غلام نژاد | جولای 20, 2018

سلام دوستان،

در این درس گرامری می خواهیم با هم واژگان zwischen , die Zwischenzeit , zwischenzeitlich را مورد بررسی قرار بدهیم

zwischenzeitlich یک صفت می باشد

فاصله زمانی بین دو واقع ی مشخص یا کار مشخص

برای مثال : شما به خرید می خواهید بروید و دلیتان می خواهد ( در این میان یا در این فاصله ) به بانک یا پست هم سر بزنید ، پس صفت zwischenzeitlich یعنی در این فاصله ، در این میان

die Zwischenzeit یک اسم مونث می باشد

که همانند صفت zwischenzeitlich به معنی فاصله زمانی بین دو واقع ی مشخص یا کار مشخص است.

این اسم معمولاً با حرف اضافه in می آید و حرف اضافه in نیز در نقش یک حرف اضافه Dativ ساز عمل میکند.

in der Zwischenzeit

در این میان ، در این فاصله

zwischenzeitlich

در این فاصله ، در این میان

که هر دو خود از zwischen گرفته شده اند

zwischen

در این میان ، از جمله ، در میان

چند مثال :

Er steht dort zwischen seinem Vater und seinem Bruder

او ( مذکر ) در آنجا میان پدر و برادرش ایستاده است

نکته : در بیشتر موارد zwischen به همراه und مورد استفاده قرار میگیرد ، یعنی چیزی همواره بین این و آن قرار دارد!

برای درک بیشتر به مثال و توضیحات زیر دقت کنید :

Was ist Unterschied zwischen Laptop und Notebook?

چه تفاوتی میان لپ تاب و نوت بوک است؟ ( وجود دارد )

Sie hält Zigarette zwischen den Fingern

او ( مونث ) سیگار را میانِ انگشت ها نگه میدارد

Sie saßen zwischen lauter fremden Leuten

آنها میانِ سر و صدا یا همه ی آدم های غریبه نشستند

zwischen acht und neun Uhr

بینِ ساعت هشت و نه

اما چند مثال برای صفت zwischenzeitlich و die Zwischenzeit

Du kannst mir zwischenzeitlich die Wäsche aufhängen

تو می توانی در این فاصله لباس ها را آویزان کنی

Zwischenzeitlich war ich einkaufen

در این فاصله من خرید بودم

Ich möchte zwischenzeitlich zum Sport gehen

در این میان یا در این فاصله من می خواهم به ورزش بروم

Wenn ich beim Zahnarzt bin, werde ich zwischenzeitlich den Artikel lesen

وقتی پیش دکتر دندان پزشک هستم ، می خواهم در این فاصله آن مقاله را بخوانم

Ich gehe jetzt einkaufen und du kannst zwischenzeitlich dein Zimmer aufräumen

من دارم میرم خرید کنم و تو می توانی در این میان یا در این فاصله اتاق را مرتب کنی

Wenn ich beim Zahnarzt bin, werde ich in der **Zwischenzeit** den Artikel lesen

وقتی پیش دکتر دندان پزشک هستم ، می خواهم **در این فاصله** آن مقاله را بخوانم

**In der Zwischenzeit** habe ich mein Auto geputzt

**در این فاصله** من ماشینم را تمیز کردم

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :

---

## Ziffern اعداد و ارقام

written by مرتضی غلام نژاد | جولای 20, 2018

به چه دلیل آلمانی ها به جای گفتن بیست و یک می گویند یک و بیست و در کل خواهیم دانست که دلیل اینگونه بیان کردن ارقام در زبان آلمانی چیست

---

## اسامی nomen

written by مرتضی غلام نژاد | جولای 20, 2018

در این بخش از سایت می توانید با اسمی در زبان آلمانی آشنا شوید.

اسامی به طور کلی در زبان آلمانی به پنج بخش تقسیم می شوند

مذکر

مونث

خنثی

اسامی جمع

اسامی مرکب

و هرکدام از آنها نیز به دو زیر شاخه تقسیم می شوند :

اسامی شناخته شده

اسامی ناشناخته

شما با مطالعه دروس موجود در این بخش از سایت به طور کامل می توانید مبحث اسامی در زبان آلمانی را درک کنید.

اسامی و آرتیکل

برای مطالعه جزوء اسامی و آرتیکل ( اینجا ) کلیک کنید.

سیگنال های اسامی مذکر

برای مطالعه جزوء سیگنال اسامی مذکر ( اینجا ) کلیک کنید.

سیگنال های اسامی مونث

برای مطالعه جزوء سیگنال های اسامی مونث ( اینجا ) کلیک کنید.

سیگنال های اسامی خنثی

برای مطالعه جزوء سیگنال های اسامی خنثی ( اینجا ) کلیک کنید.

اسامی جمع

برای مطالعه جزوء اسامی جمع ( اینجا ) کلیک کنید.

اما تمام اسامی در زبان آلمانی خود نیز می توانند به چهار حالت اسمی زیر تقسیم شوند

Nominativ

برای مطالعه جزوء Nominativ ( اینجا ) کلیک کنید.

Akkusativ

برای مطالعه جزوء Akkusativ ( اینجا ) کلیک کنید.

Dativ

برای مطالعه جزوء Dativ ( اینجا ) کلیک کنید.

Genitiv

برای مطالعه جزوء Genitiv ( اینجا ) کلیک کنید.